بارسا قهرمان سوپر جام اسپانیا . . . ۲۴

رقابت میلان و اینتر بر سر رونالدو . ۲۴

روس تبارها سر یکدیگر را می تراشند ۲۵

۵۰مسابقه متوالی ماراتن در ۵۰روز ۲۶

عکس: میلاد پیامی، شرق

رئیس سابق فدراسیون فوتبال درگفت‌وگو با شرق:

دادکان: به برکناری‌ام افتخار می‌کنم

گروه ورزش، آرش راهبر، امیر عربی و علی فولادی: حرف‌هایمان که تمام شد، یاد این گفته بیلی وایلدر (کارگردان بزرگ تاریخ سینما) افتادیم: «همیشه اینطور نیست که آدم درست بزند وسط خال، اگر اطراف آن هم بزند خوب است.» و محمد دادکان جزء این دسته از آدم‌ها بود. دوست داشت تیم ملی ایران در جام جهانی به دور دوم برود تا به همه ثابت کرده باشد برانکو چه انتخاب خوبی بوده، اما آن شکست‌ها و آن حذف تلخ از جام جهانی سبب شد عملکرد چهارساله او در فدراسیون فوتبال به یک‌باره زیر سئوال برود. دادکان دو ماه سکوت کرد و حرف نزد اما پس از درخواست گروه ورزش روزنامه شرق راضی شد تا به برخی مشکلات فراروی فدراسیون اشاره کند. گفت‌وگوی ما در دفتر شخصی دادکان در میدان کتابی برگزار شد، آن هم در شرایطی که برخی از اعضای فدراسیون دادکان مثل رضا غیاثی و ناصر نوآموز و شهرام وزیری و همایون شاهرخی در اواخر مصاحبه به رئیس سابق‌شان پیوستند و هرکدام به نوعی از کارهایی که کرده بودند و دیده نشده بود و کارهایی که نکرده بودند و دیده شده بود سخن گفتند. دادکان در این گفت‌وگو می کوشید از عملکرد خودش دفاع کند. تا آنجایی که زمان اجازه می داد، دفاع هم کرد، اما فضا جوری بود که نتوانستیم خیلی از سئوال‌هایمان را بپرسیم و البته با دادکان توافق کردیم که خیلی از حرف‌هایش به امانت نزد ما بماند تا وقت دیگری آنها را منتشر کنیم. بقیه سئوال‌های ما هم ماند برای دفعه بعد که در فضایی آرام‌تر از حالا روبه‌رویش بنشینیم و با او حرف بزنیم؛ با مردی که هدف گیری‌اش درست بود اما به اطراف هدف زد، نه به خود هدف.

■■■

■حدوداً دو ماه از حذف ایران در جام جهانی می گذرد و شما در این دو ماه سکوت اختیار کردید. اما حالا قصد دارید صحبت کنید. آیا دلیل خاصی برای انتخاب چنین زمانی داشتید؟ اتفاق خاصی افتاده است؟

خوشحالم که امروز قرار است درباره مسائل گذشته صحبت کنم و سکوت دوماهه خودم و همکارانم را بشکنم. البته دلیل خاصی که وجود ندارد اما می‌خواستم از فضای احساسی بعد از جام‌جهانی دور شویم و در فضایی منطقی‌تر حرف بزنیم. ضمن اینکه موضع گیری‌ها و رفتارهای سازمان تربیت بدنی هم مزید بر علت شد. اگر سازمان شفاف عمل می کرد شاید من هیچ‌وقت دوست نداشتم صحبت کنم، چون اعتقاد دارم که گذشت زمان بهترین چیز برای قضاوت مردم است. قاعدتاً مردم هم قضاوت خودشان را نسبت به کار ما دارند، به همین خاطر این روز را گذاشتم برای گفت‌وگو با شما. بالاخره مردم باید واقعیت‌های ورزش و به خصوص فوتبال را از منظر ما بدانند و مسئولان هم بدانند که کجا هستیم و کجا می‌خواهیم برویم. در این بحث هم حاضرم همه مسائل را برای همه شفاف بیان کنم.

■فکر می کنید نقطه شروع این اختلاف‌ها کجا بود؟

خب ببینید، از همان روزی که رئیس فعلی سازمان منصوب شد و حکم از ریاست‌جمهوری گرفت ما با ایشان جلسه داشتیم و بعد با هیات‌رئیسه رفتیم پیش ایشان. رئیس سازمان از ورزش اطلاعات کافی نداشتند بالطبع سخت بود برای ما. ایشان با ۱۲ نفر ارنج می کرد. وقتی گفتم که تیم ۱۱نفره است بحث جدی بین ما شروع شد. ایشان می گفت شش تا لژیونر داریم و شش نفر دیگر هم کنار آنها می گذاریم. من که متخصص این کار هستم، بازیکن ملی بودم، دکترای فیزیولوژی دارم و در بخش مدیریت ورزش کار کردم چطور می‌توانستم زیر نظر چنین مجموعه‌ای کار کنم، دیدید که شش ماه قبل از مجمع که به من اختیار و رای دادند گفتم تا جام‌جهانی هستم بعد می‌روم. از آنجا دخالت در فدراسیون آغاز شد.

خیلی‌ها آن موقع متوجه شدند که مسائل کجاست و چطور من این تصمیم را گرفتم. بعد تغییراتی را خواستند که من باید در هیات‌رئیسه ایجاد می کردم. یک دوره‌ای هم که می گفتند برای جام حذفی دو تا بازی بگذارید یا سه تا بازی بگذارید. بعد گفتند که اگر می‌شود یک مربی اضافه کنیم یا به جای سوئیس برویم اردبیل. من به خاطر اینکه به جایگاه رئیس سازمان و معاون رئیس جمهور خدشه وارد نشود خودم را کشیدم کنار.

■مشکل سازمان با هیات‌رئیسه چه بود؟ چون بعضی از اعضا در کابینه قبلی بودند.

بله صد درصد درست بود. حالا اسم حزب و این مسائل مطرح نیست اما من دوست دارم با واقعیت‌ها برخورد کنم. اما اینکه گفتند این افراد نباشند واقعیت داشته. اما من پافشاری کردم. درست مثل داستان مربی و هیات‌رئیسه پافشاری کردم. هیات‌رئیسه ما عبارت بودند از:

– شریعتمداری وزیر بازرگانی، پل ارتباطی ما و دولت
– آقای سازگارنژاد نماینده شیراز
– آقای تاجرنیا مشهد
– آقای شجاعی برهان
– سردار یعقوبی که رابط ما با نیروی انتظامی بودند.
– جعفر کاشانی خبره فوتبال.
– آقای آصفی سخنگوی وزارت خارجه.
– آقای پورمحمدی معاون وزیر اقتصاد و بقیه.

اینها هیات‌رئیسه قوی ما بودند که پیشنهاد من و آقای مهرعلیزاده بوده. حکم هیات‌رئیسه را باید رئیس سازمان امضا کند. این را باید بگویم که از آقای مهرعلیزاده تشکر می‌کنم به خاطر صبر و تحمل ما و همه مسائلی که به وجود می‌آمد. ایشان در طول سه سال همه جور همکاری کرد حتی ما مشکلاتی داشتیم اما از ما حمایت کرد و اگر مسئله‌ای پیش می‌آمد در اتاق دربسته حل کردیم. به ما گوشزد می‌کرد. باید از ایشان صمیمانه تشکر کنم. این هیات‌رئیسه بخش اعظمی از کار را انجام می‌داد، حالا کجا مشکل داشته نمی‌دانم اما از نظر فوتبالی هم کمک کرده.

■ظاهراً بعضی از اعضای خود فدراسیون هم قرار بود نباشند؟

بله، آقای نوآموز، آقای دانشور، درودگر و زمان‌آبادی. نظر سازمان این بود که اینها نباشند اما دلایلشان نه منطقی بود، نه کارشناسی. من هم پافشاری کردم که انجام ندهم.

■دلایلشان چه بود؟

غیرمنطقی و غیرکارشناسی.

■سازمان موقعیت نظارتی را برای خودش متصور است. به این فکر افتادید که تغییراتی ایجاد کنید؟ نگاه نظارتی سازمان را قبول داشتید؟

قطعاً همین طور است. من خودم با سیستم کار کردم. قطعاً من خودم قبول دارم که سازمان باید نظارت کند چه در زمان آقای هاشمی طبا و مهرعلیزاده. چه در زمان فعلی. اما بحث از حالت نظارت و حمایت خارج شده بود و به دخالت تبدیل شده بود. سازمان مدعی بود که ما از فدراسیون کارشناس‌تر هستیم. این بحث برای ما قابل قبول نبود. ما هم در مقابل بحث‌های کارشناسی مقاومت می کردیم.

■مثال می‌زنید.

تعویض هیات‌رئیسه. . . یا مثلاً آقای درودگر.

خدا را شکر که حافظه خوبی دارم. آقای درودگر با یکی از نمایندگان مشکلی پیدا کرده بود. اما کار مربوط به فدراسیون نمی‌شد. آنها می گفتند درودگر را برکنار کن چون می‌خواستند نماینده را راضی کنند. بعد دیدم دلایل غیرکارشناسی است. آقای درودگر زحمت کشیده. قاعدتاً باید جور دیگری این مسئله حل می‌شد. مثلاً درج در پرونده. . .

■یا مثلاً در مورد آقای نوآموز چه گفتند؟

می گفتند بچه‌هایش خارج هستند.

■روز اولی که رئیس فدراسیون شدید اهدافتان را چه گذاشتید. چه از نظر ساختاری، چه از نظر نتیجه.

وقتی مجموعه ما فدراسیون را تحویل گرفت بنا را بر این گذاشتم که هیچ وقت به صورت فردی کار نکنم. همیشه دوست داشتم از افکار و نظرات همکارانم استفاده کنم تا به هدفم برسم.

دوست دارم اینها را بنویسید. این برنامه‌ها از مدت‌ها قبل در ذهن ما بود که مهمترین آن سالم‌سازی محیط فوتبال بود. من هم فوتبال بازی کردم، مسئول ورزش و فوتبال دو وزارتخانه بودم (بهداشت و علوم) و اعزام هم به عهده خودم بود. می‌دانستم که فوتبال چه مشکلاتی سر راه سالم‌سازی‌اش است. خدا را گواه می گیرم که تمام تلاشم در این چهار سال این بود که بتوانم آلودگی‌های محیط فوتبال را کمتر کنم و شاید خیلی از همین ترکش‌ها را هم به خاطر رسیدن به هدف به جان خریدم. این را هم بگویم که خوشبختانه این کار از زمان آقای صفایی فراهانی شروع شده بود و ایشان هم تلاش زیادی برای سالم‌سازی محیط فوتبال کرد. منتها ما آمدیم و کار را سرعت بخشیدیم. گفتیم هر کسی برای خودش یک جایگاه دارد و شترسواری هم دولا دولا نمی‌شود.

جایگاه هر کسی را تعریف کردیم. بگذارید از خود شما شروع کنیم. مثلاً ما به هیچ یک از خبرنگاران بی‌احترامی نکردیم، اما برای سالم‌سازی باید جایگاه او را هم تعریف می‌کردیم. ببینید در طول چهار سال فعالیت ما ۲۳۰ خبرنگار به خارج اعزام شدند. در واقع سالی ۶۰ نفر. یک روز هم گفتیم که ۱۰۰ خبرنگار را به جام‌جهانی بردیم. حالا همین خبرنگاران را که بردیم برای خودمان دشمن درست کردیم اما باز هم قبول کردیم و گفتیم خبرنگاران هم باید در ورزش باشند اما در جایگاه مخصوص خودشان. کسی حق حضور در اردوی تیم ملی را ندارد. حتی دخالت نیست. گفتیم خبرنگاران برای ما عزیز هستند، در این چارچوب. جای ما جدا، جای شما جدا. یکی از دلایل مشکلات ما با خبرنگاران همین بود. خب قبلاً بعضی از خبرنگاران بازیکن به تیم ملی معرفی می کردند. اما در این چهار سال فقط کادر فنی تصمیم می گرفت.

در بخش داوران هم همین طور. نمی‌توانستیم داورانی که مورد داشتند را بگذاریم توی زمین. بعضی‌ها را چند هفته محروم کردیم، بعضی‌ها را هم برای همیشه. پس هدف اصلی ما سالم‌سازی بود.

■دومین هدف‌تان چه بود؟

دومین هدف استقلال اجرایی و مالی فدراسیون بود. شما بروید فدراسیون‌های قبلی را ببینید که چه مشکلاتی به خاطر مسائل مالی داشتند و فدراسیون ما را هم ببینید. در این چهار سال حتی یک بار نگفتیم که نداریم و تیم اعزام نمی کنیم. یا کسی بگوید پولی از ما طلب دارد. درآمدزایی با فکر و برنامه پیاده کردیم تا فدراسیون را به استقلال مالی کافی رساندیم. البته یک بخش مهمی از این دعواها هم سر پول است. یک قسمتی از این مسائل به خاطر این است که قرار است پول فیفا برسد و من نباید باشم. دعوا سر آن شش میلیون فرانک سوئیس است. فکر می کنید نمی‌توانستم رئیس فدراسیون بمانم. باور کنید به راحتی می‌توانستم دو دوره دیگر رئیس باشم.

کافی بود هرچه می گویند من هم جواب بدهم چشم یا بله قربان. دو تا بازی را سه تا می‌کنم یا اینکه اگر گفتید تیم را به جای سوئیس ببر اردبیل می گفتم چشم می‌برم عجب‌شیر. اما چطور باید جوابگوی این مردم می‌شدم. فوتبال در این مملکت بزرگ شد اما یک نفر باید سر این فوتبال را می‌زد. چون سازمان کوچک‌تر از فوتبال شده بود. دوست دارم این را ثبت کنید.

این واقعیت است و آینده در مورد من قضاوت خواهد کرد. من سازمان را خیلی راحت‌تر از فدراسیون اداره کنم. از خودم نمی‌گویم- این فوتبال که این همه مشکل داشت را ما چرخاندیم با این همه دشمن. همه ناراحت بودند که چرا فدراسیون بزرگ شده.

دو تا اتاق شده یک ساختمان بزرگ. برای استقلال و پرسپولیس ساختمانی می‌خرد. ورزشگاه بم را در عرض ۹ ماه درست می‌کند. ما به همه قول‌هایمان عمل کردیم. گفتیم تیم را می‌بریم جام‌جهانی و بردیم، با برنامه و کمک همه. ما گفتیم می‌رویم و به بحرین نمی‌بازیم و نباختیم. من حتی یک بار هم نگفتم که بحرین را می‌بریم. اما بعد موظف بودیم که ژاپن را ببریم. چون می‌دانستیم ژاپن را که ببریم کره شمالی را هم می‌بریم. بعد که صعود کردیم به جام‌جهانی حاشیه‌ها شروع شد. مسئولان کمیته ملی المپیک گفتند که تیم ملی مشکل دفاع و دروازه‌بان دارد. بعد هم مسئولان سازمان گفتند که رفتن ما به جام‌جهانی حادثه بود. اینها هم برنامه بود چون می‌خواستند تیم را تخریب کنند. بعد هم به مدل مو و زیر ابروی بازیکنان گیر دادند. من حق ندارم به عنوان یک شهروند از ورزش دفاع کنم؟ دوست دارم یک نفر تحلیل کند که این همه مصاحبه به چه درد ورزش می‌خورد.

مگر از ما نخواستند که پرتغال را ببریم. اما حکم برکناری ما را هم گذاشتند برای همان بازی. چطور باخت به پرتغال غرور ملی را جریحه‌دار کرد اما مساوی با سوریه حیثیت ملی را زیر سئوال نبرد و آن هم با خرد جمعی. حالا مساوی کردند و توجیه هم دارند.

حالا دوست دارم آقای رئیس جمهور و آقای رئیس مجلس به این موضوع بپردازند که ما کجا می‌رویم.

■■■

آقای حداد آمدند سر زمین گفتند همین که شما به جام‌جهانی رفتید برای ما بزرگترین افتخار است. از نظر ما نتیجه و امتیاز در آنجا خیلی مهم نیست. اگر بردید که چه بهتر. حالا از آقای احمدی‌نژاد می‌خواهم که همین الان ورزش ما را کالبدشکافی کنند ببینند که مسئولان سازمان در یک سال اخیر چه کار کرده‌اند. کجا بودیم و به کجا می‌رویم. اما من از حالا به شما می‌گویم. دو ماه دیگر یا سال دیگر می‌گویند خداحافظ ما رفتیم. شما کجا دیدید که رئیس فدراسیونی برود و بعد ذی‌حسابی، همه نهادهای نظارتی بریزند توی فدراسیون فوتبال بعد از ما. خب بیایند کالبدشکافی کنند. این خیلی خوب است. واقعیت‌ها را با مدرک به مردم نشان دهند. ما هم سرمان را بالا می‌گیریم و می‌گوییم که کردیم یا نکردیم.

بحث شخصی را مطرح کرده‌اند و من هم به همین خاطر سکوت را شکستم. مجبور شدم جواب بدهم.

■■■

بارها اعلام کرده‌اند که فدراسیون ۲۵۰ میلیون تومان در سوئیس هزینه کرده. به من گفتند بروید اردبیل که ۲۵۰ میلیون هزینه نشود، اصلاً چنین چیزی نیست. فدراسیون ۹۰ میلیون تومان برای اردوی سوئیس هزینه کرد. ضمن اینکه من باید تصمیم بگیرم یا سازمان؟ فوتبال دست من، هیات‌رئیسه فدراسیون و کادر فنی است. ما هم تصمیم گرفتیم برویم سوئیس و رفتیم. مگر اختیار دست شماست که بدون منطق و کارشناسی نظر می‌دهید و اصرار هم می‌کنید. بعد هم این حرف را منتسب می‌کنید به شخص آقای رئیس‌جمهور که ایشان گفته تیم نرود سوئیس و برود اردبیل. من یک‌بار خدمت آقای احمدی‌نژاد رسیدم و قبل از هر چیز هم باید از ایشان تشکر کنم که همیشه نسبت به فوتبال حساسیت داشته‌اند. وقتی در مورد اردوی سوئیس پرسیدم، گفت اتفاقاً تنها کشوری که دوست دارم تیم ملی برود همین سوئیس است. چون کشور بی‌طرفی است. حالا ببینید که همه این حرف‌ها به خاطر این بوده که فوتبال بخورد زمین. خب حالا شما شاخ و برگش را بزنید و کوچکش کنید. . .

ما استقلال مالی فدراسیون را رعایت کردیم. خدا شاهد است که هیچ‌وقت نظر شخصی خودم را اعمال نکردم و خوشحالم که با یک گروه قوی کار کردم.

ما برنامه‌محور بودیم و انضباط کاری داشتیم. دیدید که چطور پنج دوره لیگ برگزار کردیم چون در دوره آقای صفایی من رئیس سازمان لیگ بودم.

ارتقای فوتبال در مجامع بین‌المللی هم هدف دیگر ما بود. روی فوتبال ما حساب باز کردند. آقای بلاتر از فوتبال دفاع کرد و گفت من کاری به سیاست ندارم. ایران باید در جام جهانی باشد. بیلد کاریکاتور کشید باز هم بلاتر گفت باید باشید. فوتبال ایران جایگاه پیدا کرد، نه من. فوتبال ما رشد کرد. در رنکینگ فیفا هم بالاتر از همه آسیایی‌ها قرار گرفتیم.

حکم من لغو شد اما باعث افتخارم بود. سازمان و کمیته ملی المپیک جلسه گذاشتند و گفتند که دادکان کفایت ندارد. من به شما می گویم که همه این جلسات کارشناسی به اندازه یک کمیته ما کار اجرایی فوتبال نکردند. نه توانایی اجرایی دارند و نه فنی. آن‌وقت اینها ما را برکنار می‌کنند.

اشکال ندارد من کنار می‌مانم و اینها ورزش را بچرخانند. حالا من شده‌ام خائن، اما اشکالی ندارد من دوباره به این چرخه برمی‌گردم.

من دوست دارم به جامعه خدمت کنم و کارم را هم بلدم. قوانین فوتبال اجازه دخالت نمی‌دهد. من هم هیچ‌کس را نمی‌گذارم رقابت کند. چرا باید اینقدر به دادگاه احضار شوم.

شرمنده آقای رازینی هستم. اگر دستور ایشان را اجرا نکردم عذرخواهی می‌کنم به خاطر شخصیت والای ایشان چون قوانین را رعایت کردم. الان هم که کنار رفتم حکم دادگاه برایم آمده، مگر من چه گناهی کردم.

کمیته ملی المپیک در فرم ارزیابی‌اش همه فدراسیون‌ها را ارزیابی کرد و ما را هم جزء هفت‌تای اول گذاشت اما بعد سازمان گفت این طور نباشد و کمیته ملی المپیک هم قبول کرد و ما به جشن صدا و سیما دعوت نشدیم. باید بگویم که وقتی کمیته ملی المپیک ارزیابی خودش را هم قبول ندارد، چطور برای ما جلسه می‌گذارد. آقایان تا حالا از اتاقشان بیرون نیامده‌اند چطور می‌توانند ورزش را بچرخانند. گفتند دادکان حصار کشیده بود و کسی را راه نمی‌داد. حالا با بعضی از آقایان جمع شده‌اند و اسمش را هم گذاشته‌اند خرد جمعی. من هم به عنوان یک شهروند افتخار می‌کنم اگر موفق بشوند. بروند کار کنند و برای فوتبال پیشرفت بیاورند. چطور وقتی جلوی سوریه مساوی کردیم گفتند بازیکنان این تیم تازه به هم رسیده‌اند. کجا این بازیکن‌ها تازه به هم رسیده‌اند. اینها که همه در اردوی جام جهانی بودند. آوردن قلعه‌نویی را قبول دارم. ما خودمان هم با نظر کادر فنی موافقیم. اما قلعه‌نویی هم وسیله است. به خودش هم گفتم. گفتم تو را برای تیم ملی نیاورده‌اند. برای ساکت کردن یک عده‌ای آوردند. به او گفتم امیدوارم همان‌قدر که من از نظر فنی قبولت دارم اینها هم تو را قبول داشته باشند. اما فکر می‌کنم این هم یک جریان است که می‌خواهند استقلال و پیروزی (پرسپولیس) را از دست نفراتش خارج کنند. حالا شما آینده استقلال را ببینید.

کارشناس کسی است که قبل از اتفاق حدس بزند. اصلاً به همین دلیل خواستم پیش از بازی با سوریه صحبت کنم چون می‌دانستم که چه چیزی در چنته تیم ملی است در برابر سوریه. همه فکر می‌کنند که تیم‌ها فقط با کار فنی توی زمین برنده می‌شوند. نه، این طور نیست. اینها همه در دنیای امروز تعریف شده و سهم همه معلوم است. چند درصد کار فنی، چند درصد پشتیبانی و چند درصد بار روانی. اینها همه مشخص است. همه اینها یک مجموعه می‌شود.

قبل از جام‌جهانی را ببینید. روی سایت‌ها آمده بود که بهترین مربی و بازیکن دنیا از طرف فیفا چه کسانی بودند؟ آقای بروکنر و رونالدینیو. مربی چک را موفق‌ترین مربی دنیا معرفی کردند که می‌تواند تیم را بیاورد جزء سه تای اول اما اولین تیمی که اوت شد همین تیم چک بود. ضعیف‌ترین نمایش هم مال بهترین بازیکن دنیا یعنی رونالدینیو بود. چه اتفاقاتی افتاد؟

شما در نظر بگیرید که همه این دوستان به اضافه کمیته ملی المپیک و معاونان سازمان را اگر بگذارید در یک کفه ترازو، چه از نظر فنی و چه از نظر مدیریتی به اندازه یکی از کمیته‌های ما نمی‌توانند در مورد فوتبال بحث کنند. همین‌جا اعلام می‌کنم که بیایید بنشینیم و بحث مدیریتی و فنی بکنیم، ببینیم چه کسی توان بیشتری دارد. اما خب ابزار قدرت دست آقایان است می‌توانند عزل کنند، بیاورند یا ببرند.

بیش از ده نفر از روسای فدراسیون‌ها به من زنگ زدند و گفتند ما متاسف شدیم اما نمی‌دانستیم چه باید بگوییم. من هم گفتم چرا نمی‌توانید، خب حرفتان را بزنید. این میزها به کسی وفا نمی‌کند همان‌طور که به ما وفا نکرد. تازه ما که ورزشی هستیم و به قول معروف ریگ در جوی هستیم. اینها آب هستند، رد می‌شوند و می‌روند.

اما ما را در مجامع بین‌المللی کوچک کردند. غصه من فقط همین است. خدا شاهد است که برکناری برای من افتخار بود. اما غصه من این است که وقتی حکم برکناری من را زدند، آقای بلاتر به من گفت حزب سبزها، آمریکا و اروپا می‌خواستند نگذارند شما به جام‌جهانی بیایید. ما ایستادیم و اجازه ندادیم، اما داخل کشور خودتان از همه بدتر برخورد کرده است. شما فوتبالتان را کوچک کردید. خدا شاهد است بلاتر گفت در طول جام‌جهانی هیچ رئیس فدراسیونی عوض نشد جز فدراسیون شما. شده که مربی یا ساختار فدراسیون عوض شده باشد اما رئیس فدراسیون عوض نشده. من دلم از این می‌سوزد. جایگاه فوتبال ما لطمه خورد نه من. من که رفتم. شما بروید بسازید. شما ببینید آن نظمی که ما راه انداختیم و برای خودمان هم دشمن درست کردیم به هم ریخته. تیم فوتسال استقلال پنج هفته از لیگ گذشته تازه می‌گوید که می‌خواهیم بازی کنیم. می‌گویند بیا از اول بازی کنید. اگر من بودم محال بود بگذارم. یا مثلاً گفتند لیگ ۳۲ روز عقب افتاد، برای چی؟ شما فکر می‌کنید برای اینکه تیم ملی با سوریه بازی داشت این اتفاق افتاد، نخیر. حتماً یادتان می‌آید در دوره ما، یکشنبه سخت‌ترین بازی ملی در برابر اردن بوده که اگر نمی‌بردیم حذف می‌شدیم. ما یکشنبه لیگ برگزار کردیم، چهارشنبه با اردن مسابقه گذاشتیم و جمعه و شنبه‌اش هم بلافاصله دوباره لیگ را برگزار کردیم. فکر می‌کنید برای ما چه کار داشت که بگوییم لیگ دوماه تعطیل؟ برگزاری هفت‌ماهه لیگ مگر کار ساده‌ای است. حالا فکر می‌کنید این تعطیلی برای تیم ملی بود. والله که اگر لیگ برگزار می‌شد وضع تیم ملی هم بهتر می‌شد، اما اینها می‌خواستند ساختارشان را تقویت کنند.

بروید بپرسید، در طول ۱۰، ۱۱ ماه مدیریت جدید سازمان حتی یک‌بار هم بازیکنان تیم ملی را نپذیرفتند. اینها درد است. به من نگفتند که بازیکنان تیم ملی را قبل از جام‌جهانی بیاور، اما بوقچی‌ها و لیدرها دو بار در اتاق رئیس سازمان حضور پیدا کردند، آن هم خصوصی. چرا؟ جایگاه معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان تربیت بدنی این است که بوقچی‌ها را دعوت کند اما بازیکنان را دعوت نکند؟ فوتبال دارد به این سمت می‌رود. یعنی آقایان به فکر بقای فوتبال نیستند. من در طول چهار سال یک بار هم با این گروه جلسه نگذاشتم با آنکه به آنها احترام هم می‌گذارم.

متاسفانه کار دارد کوچک می‌شود. من از رئیس محترم جمهور و رئیس مجلس خواهش می‌کنم که دوران مدیریت جدید سازمان را بررسی کنند و کارشناسی کنند، نه سه سال دیگر. اگر ایشان درست می‌روند که به من بگویند حرف نزن. جایگاه رئیس کمیته ملی المپیک هم‌طراز رئیس سازمان تربیت بدنی است اما شما ببینید که امروز موقعیت کمیته ملی المپیک در چه حدی است؟ ضعیف‌تر از ضعیف‌ترین فدراسیون تابعه سازمان! اقدامی در جهت ورزش نمی‌کنند، فقط چه‌چه و به‌به. مگر من از پشت میز رفتم چه شد؟ این افراد هستند که به میزها شخصیت می‌دهند. ولی ما امروز سرمان را بالا می‌گیریم و به کارهایی که کردیم افتخار می‌کنیم، این پایگاه استعدادیابی که درست کردیم مایه افتخار است اما ببینید با تیم ملی جوانان و نوجوانان چه کار کردند. هم و غم همه شده بود که سوریه را ببرند. نوجوانان و جوانان رها شدند، تیم‌هایی که شانس داشتند بروند جام‌جهانی. تیم‌هایی که سه سال برایشان زحمت کشیده شد. من برای آقای هاشمی (کیومرث) نامه نوشتم، البته ایشان را فرد مثبتی می‌دانم. درست است که کارشناس فوتبال نیست اما هرچه هست فرد مثبتی است. به هر حال در نامه‌ای که به ایشان تبریک گفتم نوشتم که آقای هاشمی، به‌عنوان یک شهروند دو چیز را از شما تقاضا دارم. نگذارید از بین برود. یکی استقلال فدراسیون و دوم تیم‌های پایه‌ای که برایشان سه سال هزینه شده. الان می‌بایست به هند و سنگاپور بروند، کو؟ اگر ببازند کار ما است و اگر هم ببرند به حساب خودشان می‌گذارند. اما این تیم‌ها راحت می‌روند جام‌جهانی. سه سال برای آنها زحمت کشیده شده. اما مربی‌اش گفته که سفر خارج خواستیم به ما گفتند بروید بندرانزلی! با این تفکر می‌خواهیم برویم جلو؟ خرد جمعی این است؟ با کسانی که چهار سال به دلیل سابقه ناموفق‌شان به مجموعه فدراسیون راه نداشتند. درد فوتبال ما این است!

ادامه در صفحه۲۶

خلاصه گفت و گو

۱- من باید از یک گروه از مسئولان تشکر ویژه بکنم. موظفم از آقای احمدی‌نژاد تشکر کنم. ایشان همیشه نسبت به فوتبال نظر مثبت داشتند. باید از مردم هم تشکر کنم چون همیشه حامی ما بودند. از آقای حدادعادل تشکر می کنم چون به ما آرامش داد. هدیه معنوی ایشان که همان سفر مکه بود برای ما بسیار لذت‌بخش بود. باید از آقای خاتمی و آقای مهرعلیزاده تشکر کنم چون به ما آزادی عمل داد. یک دوره‌ای می‌خواستند که آقای مهرعلیزاده را هم بگذارند جلوی فدراسیون اما ایشان تدبیر داشت. از جناب سردار طلایی به خاطر زحمات زیادی که برای فوتبال کشیدند در طول این چهار سال، از جناب سردار کارگر در حوزه نظام وظیفه که نگذاشت حتی یک بار بازیکنان در فرودگاه بمانند، از رئیس اداره گذرنامه که حقیقتاً یار ما بودند. ما چهار سال فقط به خاطر ارتباط خوبی که داشتیم تعامل خوبی برقرار کردیم، در حالی که هیچ کاری هم برای این سازمان ها نکردیم. واقعاً از آنها ممنونم. همه این کارها را به خاطر عشق به ورزش کردند. از مدیران باشگاه‌ها تشکر می کنم که زحمت کشیدند.